

عنوان مقاله:

بازشناسی و اولویت بندی معیارهای موثر در بازآفرینی بافت تاریخی طبق مدل سه گانه کانتر با رویکرد ارتقاء کیفیت فضایی محله بویژه مرکز محله بروش تحلیل محتوا و تکنیک تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

محل انتشار:

کنفرانس بین المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت های شهری در ایران (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

علی مشایخی - گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد، اصفهان، ایران

عفت صبوحی - گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد، اصفهان، ایران

مسعود شفیعی - گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دولت آباد، اصفهان، ایران

خلاصه مقاله:

شهر مجموعه ای از عناصر اصلی و شبکه های ارتباط دهنده میان آنهاست که در طول زمان به دلایل گوناگون به وجود آمده اند و به تدریج جایگاه خود را در بافت مستحکم کرده و جزئی ناگسستنی از ساختار و استخوانبندی آن گشته اند. عناصری که از کنار هم قرار گرفتن و ارتباط متقابل و منطقی میانشان، هویت و معنا مییابد. بافتها و ساختارهای تاریخی به عنوان سرمایه های اجتماعی و اقتصادی با ارزش، منعکس کننده تاریخ و هویت جامعه، و محرک و ابزاری برای بازآفرینی و طرح های توسعه شهری هستند. توسعه سریع شهرنشینی تأثیرات قابل توجهی بر بافت های قدیمی و تاریخی شهر بر جای گذاشته است. از طرفی ورود رویکرد و نگرش مدرنیست (نظیر جریان آزاد و سریع ترافیک، فضای زیاد برای پارکینگ، جدایی کامل کاربری ها و متمرکز بودن کم و نسبی ساختمان) به مکاتب معماری و شهرسازی ایرانی موجب جای گذاشتن تأثیرات منفی و حتی مخربی بر بافت شهری شده است. پدیدار شدن این امر را می توان در شهرهای ایرانی، مخصوصاً شهرهای سنتی و قدیمی مشاهده نمود. وجود فضاهای گمشده شهری یکی از نمودهای این موضوع است. فضاهایی که در بافت شهری، مخصوصاً پیرامون بافت های تاریخی و قدیمی، مفهوم و معنای خاصی را همراه خود ندارند و به عنوان فضاهای ناکارآمد و فاقد هویت شناخته می شوند. یکپاز مهم ترین معضلات شهرها بافت های ناکارآمد شهری است. این بافت ها با تحولات متعددی مواجه شده و دچار نارسایی و اختلال در ابعاد مختلف کارکردی، اقتصادی، اجتماعی، ارتباطی و زیست محیطی گردیده اند، پایداری خود را از دست داده و از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی بوده و جوابگوی نیاز ساکنین خود نمی باشند. محلات تاریخی با عناصر کالبدی اصلی و فرعی شکل گرفته است که باعث دوام فعالیت های انسانی در سطح آن می شود و این امر باعث می شود که این مکان ها به صورت سر زنده عمل کنند. ضمن بررسی مولفههای تأثیرگذار در کیفیت محله، عناصر سازنده مرکز محله را بر اساس مدل مکان کانتر معرفی نماید. در این مقاله تلاش شده، با استفاده از روش مطالعات کتابخانه ای -، مشاهده مستقیم و پژوهش میدانی، و تحلیل محتوا به بررسی و شناخت ابعاد کیفی فضایی (محله و مرکز محله) به معرفی معیارهای اصلی تأثیرگذار در باز آفرینی مرکز محله، معیارهای عام و خاص آن بپردازد. پس از بررسی شاخص های اثرگذار در قالب لایه های اطلاعاتی از معیارها طبق نظر متخصصین و خبرگان اقدام به تعیین چارچوب های امتیازدهی در نهایت رتبه بندی گردیده که اولویت بندی معیارهای موثر مورد نظرها تکنیک دلفی و نرم افزار اکسل و مقایسه زوجی و نرم افزار (Expert Choice) صورت پذیرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاضر آرایش اولویت بندی شده از معیارهای موثر در مکانیابی بهینه شامل 3 دستمشمخص بترتیب (3) بلوک معیارهای عام از مدل سه گانه کانتر - 10 بلوک عامل از معیارهای اصلی - و مجموعه ای از زیرمعیارها) رانشان میدهد.

کلمات کلیدی:

محله، مرکز محله، باز آفرینی، مدل حس مکان کانتر، روش تحلیل محتوا، دلفی، تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1113973>

